



مقدمه

هیچ آیین و مکتب و ملتی، از نظر برخورداری از الگوهای برجسته و اسوه‌های تربیتی، همچون آیین اسلام و امت مسلمان نیست.

از افتخارات مکتب اسلام، پرورش چهره‌های بالنده و الهام‌بخش است و برای همه کسانی که در پی سرمشق چگونه بودن هستند، راه را نشان می‌دهد و درس چگونه زیستن را می‌آموزد.

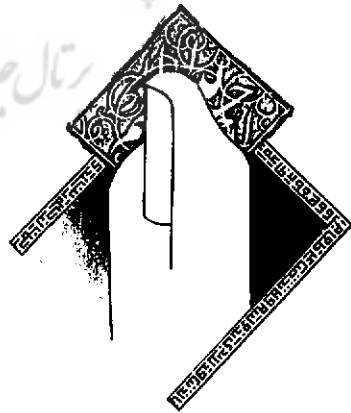
« شرح حال بزرگان برای همه سودمند است و آشنایی با فراز و نشیب‌های زندگی مردان و زنان خودساخته و مهذب و رمز و راز توفیق آنان و مسیر کمال و رشدشان، به خصوص برای نسل جوان، سازنده‌تر است. چرا که اینان، در سن و سال و شرایطی به سر می‌برند که الگویابی و قهرمان‌جویی در ضمیرشان زنده‌تر و زمینه سرمشق‌گیری و شخصیت‌یابی برایشان بیشتر است. ^۱ از این روی، برآن شدیم تا مختصری از شرح زندگانی و خدمات علمی دینی «آمنه بیگم مجلسی»، مجتهد جامع‌الشرايط و خواهر علامه بزرگوار مولانا محمدباقر مجلسی، که الگویی بسیار ارزنده برای نسل جوان می‌باشد را به دوستان علم و دین ارائه نمایم.

گوهری از خاندان مجلسی

♦ آمنه بیگم

چشمه جوشان علم و دین

کسانی که کم و بیش با تاریخ اسلام آشنایی داشته باشند، به آسانی این سخن را می‌پذیرند که با تابش امواج وحی، ناگهان جنبش عظیمی در سرزمین مکه پدید آمد و در جسم و جان طبقات محروم اجتماع روح تازه‌ای دمیده شد. از آن پس نیز سر و صدایی که آهنگ گوش‌نواز وحی در هر گوشه جهان درآنداخت و آن همه شکوهی که از سیمای پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درخشید و دیدگان افسرده جهانیان را روشنی بخشید، نهضت‌های گوناگونی را سبب گردید و از آن میان یکی هم این بود که زن رنجور و ستم کشیده را از ظلم و ستم نجات داده و به مدد تعالیم آسمانی، روحش را سرشار از



● محمد قاسم هاشمی

غرور و اطمینان ساخت.

مکتب اسلام به جامعه زنان خدمات شایانی نموده است چرا که از همان آغاز طلوع خود یکی از برنامه‌های اساسی‌اش را بر مبنای بازپس گرفتن حقوق از دست رفته زنان قرار داد.

پیامبر اسلام (ص) پیوسته به یاران خود در مورد زنان سفارش می‌نمود و زنان را امانت خدا می‌خواند و می‌فرمود: «زنان در دست شما امانت‌های خداوند هستند، پس احترام آنان را نگهدارید.»^۲

نگاهی کوتاه به فهرست اسامی و سرگذشت زنانی که در صدر اسلام به این آیین پاک گرائیدند ما را در اثبات آنچه که یادآور شده و می‌شویم، یاری می‌کند. نام اینگونه زنان که در کتب معتبری چون طبقات ابن‌سعد و تاریخ ابن‌اثیر بسیار آمده، گوشه‌ای از افتخارات تاریخ زرین اسلام را خاطر نشان می‌سازد.^۳

نظری به تاریخ حیات زن در اعصار گذشته و جستجو در رویدادهای جوامع مختلفی که زن عهده‌دار نقش آنها بوده، این نکته را آشکار می‌سازد که هر زمانی که زن جان و روان خویش را پاک بدارد و به عوالم روحانی بگراید و هر بار که ضمیر خویش را از زنگار هوس و ظاهر سازی‌ها و ظاهری‌ها بزداید، چنان با عظمت و نیرومند می‌شود که حتی ممکن است تعیین سرنوشت تاریخ ملتی به اراده وی بستگی پیدا کند.

بدیهی است شخصیت والای زن همیشه از دریچه ایمانش متجلی می‌گردد، یعنی این ایمان است که گوهر تابناک وجود زن را از گزند ناپاک‌دلان در پناه درّی به نام تقوا و عفاف حراست می‌کند. نخستین خصلت برجسته این قبیل زنان بلند آوازه، یکتاپوستی و گرایش آنها به تقوا، پرهیزگاری و پاکدامنی بوده که سبب توفیق آنان در پیشبرد هدف‌های انسانیشان گشته است.^۴

در کنار داشتن تقوا و پرهیزگاری، در نخستین مرحله، نقش زن، باید تأمین‌کننده آرامش و اطمینان برای مرد باشد حال ببینیم این مسأله چگونه تحقق می‌یابد و چه هنگام زن

می‌تواند، الهام‌بخش صفا و روتق و شادابی، در زندگی مرد خود باشد. اگر کمی به خصوصیات روحی و روانی زن توجه کنیم و این آفریده اسرارآمیز خداوند را از دیدگاه واقعی‌اش بنگریم، به آسانی در می‌یابیم که زن تنها با ملکات پسندیده، انسانی و پایبند بودن به اصولی که در سرنوشت اولیه خود او نهفته است، می‌تواند از عهده این مهم برآید. به بیانی دیگر یک زن وظیفه‌شناس، درست‌اندیش و راست‌کردار است که وجودش پدید آورنده باصفا‌ترین صحنه‌ها در زندگی خانوادگی‌اش خواهد بود.^۵

پس از ذکر مقدمه بالا، گوشه‌هایی از زندگانی پربار و آموزنده آمنه بیگم یا آمنه خاتون مجلسی و خاندان بزرگوار او را که به حقیقت «همه قبیله او عالمان دین بودند» ارانه می‌نمائیم.

◆ شخصیت والای زن همیشه از دریچه ایمانش متجلی می‌گردد، این ایمان است که گوهر تابناک وجود زن را از گزند ناپاک‌دلان در پناه درّی به نام تقوا و عفاف حراست می‌کند.

سابقه تاریخی خاندان مجلسی

۱- جد بزرگ آمنه بیگم: علامه مولانا محمدتقی مجلسی، در اجازه طولانی و بسیار جالبی که به فرزند دانشمندش علامه مجلسی داده است، حافظ ابونعمیم احمدبن عبدالله اصفهانی - صاحب کتابهای «حلیه الاولیاء»، «تاریخ اصفهان» و «اربعین» - را از اجداد خود دانسته است.

حافظ ابونعمیم اصفهانی از دانشمندان بزرگ و مشهور عالم اسلام و از مورخین توانا در نیمه دوم قرن چهارم هجری بوده است.



عابد، زاهد، حاوی فضائل علمیه عملیه، مؤید به تأییدات الهی و عابدترین و زاهدترین علمای زمان خود بوده است.

ملا محمدتقی مجلسی از طرف مادر نواده ملا کمال‌الدین محمدبن حسن عاملی نطنزی، از رجال معروف قرن دهم هجری است و روی همین اصل در برخی از جاها نام خود را نطنزی هم نوشته است.

مجلسی اول از شاگردان بزرگ شیخ بهائی و در علوم اسلامی یکی از سرآمدان روزگار خود بوده است که تألیفاتش ذوق و تبخر علمی و خدمات دینی او را به خوبی نمایان می‌سازد.^۸

۲- مادر آمنه بیگم: مادر آمنه خاتون - که نامش معلوم نشد - دختر صدرالدین محمدحسینی عاشوری قمی بوده و از پرورش‌یافتگان خاندان با علم و فضیلت خود به شمار می‌رفته است.^۹

تمام فرق اسلامی، حافظ ابونعیم را به بزرگی و بزرگواری ستوده‌اند، حافظ از بزرگان محدثین و راویان حدیث و حفاظ و ثقات بوده است، وی از بسیاری از افاضل اخذ حدیث کرده و بسیاری هم از او حدیث شنیده‌اند.

حافظ ابونعیم اصفهانی در ماه رجب سال ۳۳۴ یا ۳۳۶ هجری متولد و در ماه محرم یا صفر ۴۰۳ هجری (مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی ۴۳۰ هجری آورده است) در اصفهان وفات یافته و در گورستان آب بخشان (حدود میدان شهدای فعلی) مدفون شده است که در حال حاضر اثری از آن برجای نیست.^۶

۲- پدر بزرگ آمنه بیگم: مرحوم ملا مقصودعلی مجلسی اصفهانی، پدر بزرگ آمنه بیگم، از دانشمندان باتقوا و از مروّجین مذهب تشیع بوده است. وی به خاطر کلام زیبا،

♦ خاندان علامه مجلسی، بی‌گمان بزرگترین و درخشانترین خاندان علمی و دینی شیعه امامیه است که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام پدید آمده است.

نقش خاندان علامه مجلسی در ترویج مسائل دین خاندان علامه مجلسی، بی‌گمان بزرگترین و درخشانترین خاندان علمی و دینی شیعه امامیه است که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام پدید آمده است. اجداد علامه مجلسی اول و بستگان آنها، فرزندان و نوادگان پسری و دختری او، دامادها و فامیل‌های وابسته به آنها - از زمان او تا عصر حاضر - از گسترده‌ترین و نام‌آورترین عالمان دین بوده و می‌باشند که تاریخ اسلام و شیعه امامیه مشابه و نمونه دیگری از آن را به یاد ندارد، به طوری که اگر یکی از نوادگان پسری یا دختری مجلسی اول بگوید: «همه قبیله من عالمان دین بودند» سخن شیخ اجل سعدی را واقعیت بخشیده است.

از میان این خانواده بزرگ علمی و دینی دهها مجتهد جامع‌الشرايط و فقیه نامی و مرجع تقلید و مؤلف و مصنف پدید آمده است که به تعمیم و توسعه علوم و فنون دینی و فرهنگ و معارف اسلامی همت گماشته‌اند و آثار فراوان و بسیار ارزنده‌ای در انواع علوم عقلی و نقلی و ادبی به فارسی و عربی خلق کرده‌اند. مردان و زنان دانشمند و بزرگوار و نام‌آوری در این خاندان برخاسته‌اند که در تمامی دودمانهای

اشعار دلنشین و رفتار و گفتار نیکویش در محافل و مجالس، به مجلسی مشهور و ملقب بوده و بدان متخلص گردیده است. خاندان عالیقدر او نیز بدین نام شهرت یافته‌اند.^۷

۳- پدر آمنه بیگم: مولانا محمدتقی مجلسی (یا مجلسی اول) پدر آمنه بیگم می‌باشد، وی در زهد و پارسایی چنان بوده که مردم به او به چشم فردی مقدس می‌نگریسته‌اند. مجلسی اول از مستبحرین علمای شیعه امامیه اثنی‌عشری و علوم اسلامی و از ثقات و معتمدین و محدثین اخبار خاندان عصمت و طهارت (ع)، فقیه، محدث، رجالی،

بزرگ اسلامی و بیوت شیعه امامی، دیده نشده و سابقه نداشته‌اند.

برای نمونه یادآور می‌شویم که کمال‌الدین درویش محمد عاملی اصفهانی جدّ مادری مجلسی، دانشمندی است که برای اولین بار احادیث ائمه اهلیت را در ایران نشر داد، علامه مجلسی اول نیز نخستین دانشمند فقیهی است که آنها را به فارسی و عربی تألیف و تصنیف نمود و علامه مجلسی دوم هم به اعتراف دوست و دشمن، اولین مرجع تقلیدی است که عامه مردم ایران و دیگر نقاط جهان را از راه کتابهایش با شیعه و اهل بیت عصمت آشنا ساخت و میراث امامان را وارد خانه‌های آنها کرد و «این قولی است که جملگی برآند»^{۱۱}

فرزندان علامه محمد تقی مجلسی

فرزندان پسر علامه مجلسی اول، همگی در سایه تعلیم و تربیت صحیح و توجه خاص و نیت پاک و ایمان خالص او، به مقام‌های عالی علمی و عملی بالائی رسیده‌اند و دختران او هم شوهران بزرگ و نامدار و فرزندان دانشمندی داشته‌اند. از آنجائی که این مرد بزرگ، خود دانشمندی پاک سرشت و مخلص بوده و با تمام وجود در خدمت اسلام و تشیع و ترویج دین و مذهب و به طور خلاصه مظهر کامل اسلام ناب محمدی (ص) بوده است، خداوند نیز همه گونه وسایل سعادت و خوشبختی را برایش فراهم کرده و فرزندان پسر دانشمند، دختران دانا و با شخصیت، دامادهای عالم و با فضیلت، نوادگان پسری و دختری عالیقدر و نامدار به او ارزانی داشته است، به گونه‌ای که از آن زمان تاکنون بسیاری از مراجع تقلید شیعیان از میان آنها برخاسته‌اند. اینها همه نشانه عظمت روح و معنویت و جامعیت و رابطه دینی آن عالم بزرگوار بزرگزاد با خداوند رئوف و مهربان است.^{۱۱}

در این مقاله شرح حال ملا محمد صالح مازندرانی، شوهر دانشمند آینه بیگم بیان شده است. دیگر دامادهای علامه محمد تقی مجلسی نیز از فقها و علمای بزرگ عصر خود بوده‌اند.^{۱۲}

آینه بیگم، اولین زن مجتهد و جامع الشرایط

آینه بیگم (یا آینه خاتون) بزرگترین و داناترین دختران مجلسی اول، زنی پارسا، فاضله و مجتهده مقدسه بوده که در تمام علوم زمان خود به سر حد کمال و رشد رسیده بود و به حقیقت از زنان نادره تاریخ اسلام و از نوابغ روزگار خود به شمار می‌رفته است.

درباره مقام علمی - دینی و شخصیت ارجمند آینه بیگم به بیان چند نقل قول اکتفا می‌کنیم.

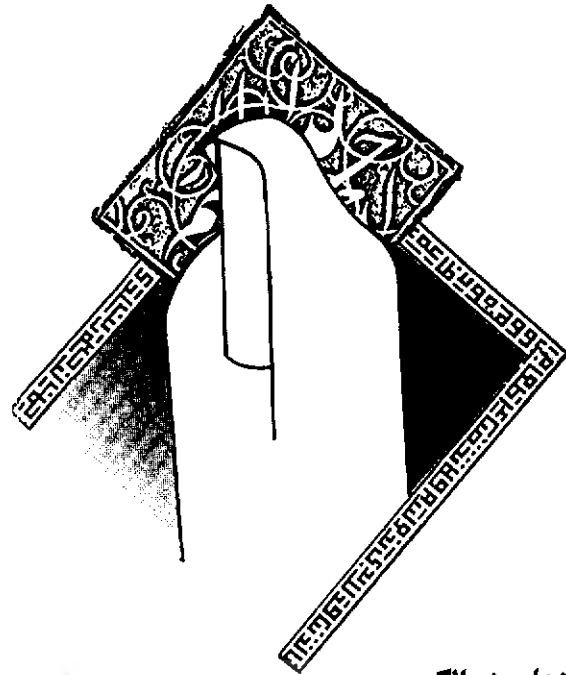
دانشمند بزرگوار، مرحوم سید حسن زنوزی، در کتاب ارزشمند «ریاض الجنة» که به فارسی نگاشته است، ضمن شرح حال علامه مجلسی اول، از استاد کل و مجدد مذهب شیعه، آقا محمد باقر اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی، نقل می‌کند که گفته است:

«آینه بیگم، دختر مجلسی اول، زنی صالحه، عابده، زاهده، فاضله، عالمه عامله و مجتهده جامع الشرایط بود. کتابی بسیار خوب در فقه، تا باب عبادات، تألیف کرده است و هم آن مخدّره، به برادرش مولانا محمد باقر مجلسی، در اکثر تألیفاتش کمک می‌کرده است.»^{۱۳}

دانشمند مشهور، میرزا عبدالله اصفهانی شاگرد نامدار علامه مجلسی دوم که خود از نزدیک شاهد امور زندگانی آن علامه و خواهر دانشمندش - آینه بیگم - بوده است، در کتاب گرانمایه خود «ریاض العلماء» می‌نویسد:

«آینه خاتون دختر ملا محمد تقی مجلسی، فاضله، عالمه، متقیه، همسر ملا محمد صالح مازندرانی در علم و دانش و تسلط بر مبانی فقهی به حدی رسیده بود که شوهر آن مخدّره، با همه فضل و دانشی که داشت، گاهی اوقات برای حل بعضی از عبارات کتاب «قواعد علامه» به وی مراجعه و از معلومات آینه بیگم استفاده می‌نمود.»^{۱۴}

مرحوم سید الطائفه، علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی که اصفهانی‌الاصل و پروچردی مسکن بوده است، در کتاب گرانمایه خود به نام «رجال سید بحرالعلوم» از آینه بیگم به عنوان زنی فاضله و عالمه نام برده و از مجلسی اول به عنوان جدّ و از مجلسی دوم به عنوان دائی یاد کرده است.^{۱۵}



ازدواج دو الگو

آمنه بیگم زنی پارسا، فاضله، مجتهده، و در تمام علوم دینی و ادبی به سر حد کمال و رشد رسیده بود، با این وجود، مرحوم مجلسی اول در رابطه با ازدواج او با مولانا محمد صالح مازندرانی که در ابتدای تحصیل و زندگی خود و با فقر و محرومیت بسیار روبرو بود، به صحبت نشست و خطاب به ایشان فرمود:

ای دختر برای تو شوهری معین کرده‌ام که در نهایت فقر، اما در متتهای فضل و دانش و صلاح و کمال می‌باشد و این امر موقوف به اجازه تو است.

آن مقدسه صالحه پاک سرشت جواب داد: « پدر، فقر عیب مردان نیست. » و در واقع با این جواب خداپسند، موافقت خود را از ازدواج با ملا محمد صالح اعلام کرد.

از آنجا که ملا محمد صالح مازندرانی هم پیش از این قبلاً نظر موافق خود را برای ازدواج اعلام نموده بود، ملا محمد تقی مجلسی در ساعتی سعد، خطبه نکاح را جاری فرمودند و عروس را آراسته و مهیا نموده به حجله عروسی بردند.

داماد با سعادت در حجله، روی عروس را گشود و رخسار زیبای او را دید، او متوجه شد که عروس، گذشته از

مشهور بودن در علم و فضل، رخساری زیبا هم دارد، و پی برد که استاد بزرگوارش چه تفقیدی درباره او معمول داشته است و عروس نیز چه عنصر تربیت یافته با کمالی است که با این زیبایی و آن علم و فضل و اصالت خانوادگی، حاضر شده است به شاگرد پدرش که طلبه‌ای روستایی و مستمند است، شوهر کند.

ملا محمد صالح، پس از دیدن روی عروس به گوشه‌ای رفت و ابتدا بر این نعمت و موهبت الهی که به او داده شده بود سجده شکر نمود و سپس به گوشه اتاق رفته و سرگرم مطالعه شد. اتفاقاً در همان شب، مسأله علمی بسیار مشکلی برایش پیش آمد که می‌بایستی با دقت در آن بنگرد تا آن را حل کند و برای مباحثه فردا با همتای خود (یا تدریس) آماده سازد، لذا مطالعه آن صفحه مدتی طول کشید و سرانجام نیز حل نشد. آمنه بیگم که ناظر کار وی بود، با فراست ذاتی پی برد که مسأله چیست و در چه کتابی است.

داماد تا پاسی از شب مشغول مطالعه بود و فردا صبح برای مباحثه (یا تدریس) از خانه بیرون رفت. پس از رفتن داماد، عروس برخاست و مسأله را پیدا کرد و همان طور که حدس زده بود، دانست که مسأله چیست و مربوط به کتاب «قواعد الاحکام علامه حلی» است. از این روی قلم به دست گرفت و مسأله را حل نمود و در میان کتاب نهاد تا داماد پس از بازگشت آن را ببیند!

شب دوم، چون داماد کتاب را گشود و سرگرم مطالعه شد، چشمش به نوشته عروس افتاد که با خط خود آن مسأله مشکل علمی را کاملاً حل کرده و برای اطلاع او در جای خود نهاده است. ملا محمد صالح پس از مطالعه آن نوشته بلادرنگ پیشانی نیاز به درگاه خالق بی‌نیاز سوده و از اینکه خداوند چنین همسر دانشمندی به وی ارزانی داشته است سجده شکر به جای آورد. به همین جهت آن شب نیز تا صبح، مشغول مطالعه و عبادت و شکرگزاری بود و بدین گونه مقدمه زفاف در آن شب و شب بعد هم به تأخیر افتاد.

وقتی علامه مجلسی اول از ماجرا آگاه شد، نزد ملا محمد صالح رفته و به وی گفت:



دانشمندان و بزرگان اصفهان» که در این امور زحمات فراوانی کشیده، نوشته است :

« در تخت فولاد اصفهان، قبر صاحب عنوان (آمنه بیگم) معروف نیست، بلکه مظنون آن است که قبر مشارالیها و خواهر یا خواهرانش در بقعه یا حوالی بقعه علامه مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان باشد. »^{۱۸}

و در جای دیگر آمده است :

« آمنه بیگم به احتمال زیاد خود و خواهرانش در بقعه پدر علامه‌شان ملا محمد تقی مجلسی، یعنی آرامگاه کنونی علامه محمد باقر مجلسی مدفون هستند، و ادامه داده‌اند که تا مدتی قبل در قسمت شمال غربی بقعه علامه مجلسی، آثار چند قبر زن مشهود بود، یکی از آنها به نام این مخدیره شهرت داشت، که متأسفانه در تعمیرات اخیر اطراف بقعه، از روی جهالت، آثار آنها را از بین بردند، قبور دیگر نیز ظاهراً از خواهران آمنه بیگم بوده که عموماً اهل فضل و علم بوده‌اند. »^{۱۹}

نویسنده این مقاله پیشنهاد می‌نماید، در بقعه علامه مجلسی و در آن قسمتی که برای خانمها در نظر گرفته شده، محل یادبودی به نام آن بانوی مجتهده بنا گردد و شرح حال مختصری از مشارالیها نیز نصب گردد تا بانوانی که همه روزه به خصوص در شبهای جمعه از روی اخلاص به بقعه مراجعه می‌نمایند آنرا مطالعه کنند تا انشاءالله درس آموزنده و سازنده‌ای برای آنان باشد.

♦ آمنه بیگم زنی پرهیزگار، با فضیلت، مجتهده و آراسته به زیور صلاح و تقوا بوده و شوهر وی نیز با همه علم و فضلی که داشته در حل بعضی از مسائل علمی با وی مباحثه و مذاکره می‌نموده است.

« اگر این دختر موافق طبع و علاقه تو نیست، صریحاً بگو تا دیگری را برایت عقد کنم ؟ »

ملا محمد صالح جواب داد :

نه، علت این نیست که دختر دانشمند شما باب میل من نمی‌باشد، بلکه این تأخیر تنها به ملاحظه این است که می‌خواهم، شکر خدای را به مقداری که می‌توانم به جای آورم، که چنین همسری به من موهبت کرده است، اما هر چه کوشش می‌کنم، نمی‌توانم چنانچه باید و شاید شکر نعمت خدا را ادا نمایم.

چون علامه مجلسی، این سخن را از داماد با کمال و شاگرد فرزانه و دانشمند خود شنید فرمود :

« آری اعتراف به نداشتن قدرت برای شکرگزاری، خود دلیل بر نهایت تشکر بندگان است. »^{۱۶}

آمنه بیگم زنی پرهیزگار، با فضیلت، مجتهده و آراسته به زیور صلاح و تقوا بوده است. وی کتابی در فقه و احکام دینی تألیف کرده، شروحنی بر «الفتیة ابن مالک» و «شواهد سیوطی» نوشته و به شعر و ادب نیز آشنا بوده است. به علاوه این بانوی بزرگوار در جمع‌آوری اخبار بعضی از مجلّدات بحارالانوار برادرش علامه مجلسی دوم، به وی کمک فراوانی کرده است و شوهر وی نیز با همه علم و فضلی که داشته در حل بعضی از مسائل علمی با وی مباحثه و مذاکره می‌نموده است.

آمنه بیگم دارای فرزندان دانشمند و نوادگان بزرگی بوده است که از میان آنها - از آن زمان تا عصر ما - دهها تن مجتهد، مرجع تقلید و دانشمند بلند آوازه دینی برخاسته‌اند. (از جمله آنها می‌توان از استادالکلی، مروّج و مجدّد مذهب شیعه، وحید اصفهانی بهبهانی و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرجع تقلید بزرگ یاد نمود.)^{۱۷}

آرامگاه آمنه بیگم

برخی از مؤلفین کُتب رجال و غیره از جمله مؤلف «اعیان الشیعه» و مؤلف «ریحانة الادب» محل آرامگاه آمنه بیگم را در تخت فولاد اصفهان نوشته‌اند. اما مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی، مؤلف کتاب ارزشمند «تذکره القبور یا



مولانا محمد صالح مازندرانی

مولانا ابوالفضل حسام‌الدین بن احمد طبری مازندرانی، از علمای بزرگ و مجتهدین نامدار و از مردان زحمت‌کش، رنجبر و خود ساخته روزگار بود.

پدرش چون بسیار تهیدست بود محمد صالح را در سن یازده سالگی، او را بر آن داشت تا در طلب روزی خود برآید و آینده خویش را تأمین کند. محمد صالح نیز به دارالعلم شرق، یعنی اصفهان مهاجرت نمود و در یکی از مدارس دینی آن، حجره‌ای گرفت و به فراگیری علوم دینی پرداخت. در ابتدای تحصیل آنقدر تهیدست بود که حتی نمی‌توانست چراغی برای مطالعه خود خریداری کند، لذا از روی ناچاری از نور چراغ راهروی مدرسه استفاده می‌نمود. وی به علت علاقه فراوان به کسب علم و دانش، شب و روز مشغول فراگیری علوم زمان خود بود.^{۲۰}

آقا احمد بهبهانی که خود از نوادگان دختری آمنه خاتون و ملا محمد صالح می‌باشد، در کتاب خود «مرآت الاحوال جهان‌نما» ضمن بیان شرح حال ملا محمد صالح مازندرانی، می‌نویسد:

«این طلبه با استعداد، با پشت‌کار مداوم و علاقه فراوانی که به کسب علم و دانش داشت. به سرعت دروس مقدماتی را فراگرفت و به زودی توفیق یافت که در اوایل جوانی، در سطح بالایی در حوزه درس علامه محمد تقی مجلسی حضور یابد، او به گونه‌ای ترقی کرد که با علمای نامدار هم سبق شد و در اندک زمانی بر اغلب آنها رجحان و برتری یافت و از این جهت مورد توجه استاد قرار گرفت و مولا محمد تقی مجلسی نسبت به او شفقت تمام پیدا کرد و در مسائل فقهی بر جرح و تعدیل وی اعتماد می‌فرمود.»

ترقیات همه جانبه ملا محمد صالح در تحصیل علوم دینی، او را بیش از دیگران به استاد نزدیک گردانید، تا جایی که به شرف همسری دختر دانشمندش، آمنه بیگم نایل آمد.

محدث نوری در فیض‌القدس می‌نویسد:

ملا محمد صالح می‌گفتند: «من از جانب خداوند، حجت بر طلاب هستم، زیرا در فقر و تنگدستی، کسی از من

تهیدست‌تر نبود، اما چندان کوشیدم، تا خداوند بر من منت نهاد و نعمت‌های زیادی به من ارزانی داشت، از جمله آنکه زنی دانشمند و پاک از خاندانی بزرگ و اولادی پاک سرشت که در میان آنها علمای ابرار و صاحبان خیراندیش وجود دارد به من روزی نموده است.»^{۲۱}

حاج محمد اردبیلی معاصر ملا محمد صالح از وی به گونه‌ای که بوده است یاد می‌کند و می‌نویسد:

«امام علامه محقق مدقق، پسندیده خوی، پارسای، پاک سرشت، جلیل‌القدر، رفیع‌الشأن، عظیم‌المنزله، دارای ذهنی دقیق، فاضل کامل صالح متبحر در علوم عقلی و نقلی، دانشمند ثقة موقوت مورد اعتماد کامل و دارنده اخلاق کریمه و خصال پسندیده، او را کتابهایی است از جمله «شرح روضه کافی» و «شرح زبدة الاصول» و «حاشیه بر معالم» و جز اینها، او رحمت... علیه در سال ۱۰۸۶ هجری قمری وفات یافت رضیه‌الله عنه و ارضاه.»^{۲۲}

دانشمند عالم‌شناس نامی، میرزا عبدالله اصفهانی، شاگرد مشهور علامه مجلسی که از شاگردان و معاصران ملا محمد صالح نیز بوده است، در کتاب خود «ریاض‌العلماء» درباره وی می‌نویسد:

«من می‌گویم، بخشی از اصول کافی را بر وی خواندم و توضیحات او را شنیدم، او داماد ملا محمد تقی مجلسی است، شرح کافی او ناتمام است، فقط شرح اصول و روضه را دارد (کافی سه بخش است اصول، فروع و روضه) بر بقیه کافی فقط حاشیه است که در اطراف کافی نوشته است، از مؤلفات او «شرح زبدة شیخ بهائی» است.»^{۲۳}

آقا احمد بهبهانی در «مرآت الاحوال» می‌نویسد:

«مطلب سوم در بیان احوال زبدة‌العارفین و نخبه‌المجتهدین الثقی النقی الجّد الامجد، مولانا محمد صالح مازندرانی، شارح اصول کافی و زبدة‌الاصول شیخ بهائی و غیر آن از کتب و رسائل است.»

و در همانجا ادامه می‌دهد:

«در ذکر شردمه‌ای از احوال بندگان عالی‌جناب معلی‌القاب جامع‌الفضائل صوری و معنوی، آخوند ملا محمد

صالح مازندرانی علیه‌الرحمه و اولاد ایشان است. تبخر آن عالی‌شان کالتور فی‌الظلم بر عالم و عالمیان مسلم و بی‌نیاز از توصیف و بیان است، به زیور علم و فضل آراسته و در مرحله احتیاط به حدی کوشیده بود که با آن اطلاع و استعدادی که حضرت وهاب به او عنایت کرده بود، هیچگاه فتوائی نداد و حال آنکه از شاگردان آن مرحوم، در اطراف، مقتیان عالی‌شان بودند. »

در این زمینه استاد مطلق، استادالکل فی‌الکل، وحید اصفهانی بهبهانی که از نوادگان دختری آمنه بیگم و ملا محمد صالح می‌باشد، در « رساله الاجتهاد و الاخبار » می‌نویسد:

ای برادر، حال مجتهدین محتاط، حال جد من عالم ربانی و فاضل صمدانی، ملا محمد صالح مازندرانی بوده است، که من از پدرم رحمة‌الله علیه شنیدم که می‌گفت:

« بعد از آنکه او از شرح اصول کافی فراغت یافت، خواست فروع کافی را هم شرح کند، به او گفتند شاید تو به رتبه اجتهاد نرسیده باشی، او هم به همین علت فروع کافی را شرح نکرد حال آنکه هر کس شرح اصول کافی او را ببیند، می‌داند که او در اصلی مرتبه علم و فقه بوده است و در خردسالی « معالم الاصول » را شرح کرده است و هر کس آن را ملاحظه کند، می‌داند که چقدر در آن سن و سال از قواعد مجتهدین آگاه بوده است. »^{۲۴}

علامه فقید، آقا میرزا محمد باقر اصفهانی خوانساری مؤلف « روایات الجنات »، ضمن شرح حال مولا محمد صالح می‌نویسد: « کتاب ارشاد علامه حلّی به خط شریف او نزد ماست، که خطی نیکوست، لیکن خط فرزندش، فاضل کامل، آقا هادی، مترجم قرآن مجید و صحیفه کامله سجاده و معالم الاصول و کافیه و شافیه و غیره به مراتب بهتر از خط اوست و آقا هادی را باید از خوشنویسان خط شکسته و نستعلیق دانست »^{۲۵}

مؤلف روایات الجنات در جای دیگر درباره مقام علمی و تألیفات و مصنفات ملا محمد صالح می‌نویسد: « او از علمای محدث و عرفای مقدس و ماهر در معقول و منقول و جامع فروع و اصول بود. پس از ورود به اصفهان، نزد علمای

بزرگ همچون ملا عبدالله شوشتری و پسرش ملا حسنعلی و مولانا محمد تقی مجلسی، شرایط شاگردی را به نحو نیکو به جای آورد، تا جایی که با دختر مولانا مجلسی اول که به علم و فضل و دیانت مشهور بود ازدواج کرد و خداوند از او پسران، دختران و نوادگانی عطا کرد که یکی از نوادگانش همسر ملا محمد اکمل شیرازی اصفهانی و مادر مروّج و مجدد شیعه، وحید اصفهانی بهبهانی رحمة‌الله علیهم اجمعین است.

از جمله مصنفات مبسوط و مشهور وی شرح مزجی لطیف وافی بر اصول کافی در چند مجلد است، این شرح از بهترین شروح کافی است و به دور از افراط و تفریط است. وی در این کتاب، از شرح اصول کافی ملا صدرا ایرادهای بسیاری گرفته است.

ملا محمد صالح مازندرانی، در سال ۱۰۸۶ هجری قمری در اصفهان وفات یافت و در پایین قبر پدر آمنه بیگم، مجلسی اول، دفن گردید.

در تاریخ فوت او گفته‌اند:

هاتفی گفت به تاریخ که: آه

صالح دین محمد شده فوت^{۲۶}

◆ آمنه بیگم دارای فرزندان دانشمند و نوادگان بزرگی بوده است که از میان آنها دهها تن مجتهد، مرجع تقلید و دانشمند بلند آوازه دینی برخاسته‌اند.

فرزندان آمنه بیگم

میرزا حیدرعلی مجلسی - که خود از نوادگان آمنه بیگم می‌باشد - در کتاب « انساب خاندان مجلسی » می‌نویسد:

« اما اولاد آمنه بیگم و ملا محمد صالح مازندرانی به نحوی است که مرقوم می‌گردد: محمد هادی، مترجم قرآن و



ملا نورالدین محمد و ملامحمد سعید اشرف و ملا حسنعلی و ملا عبدالباقی و ملامحمد حسین و آنچه بر حقیر معلوم است یک دختر ولیکن شنیده‌ام که دو دختر بوده‌اند.»

بنابراین ملا محمد صالح مازندرانی از آمنه بیگم، دختر دانشمند علامه مجلسی، شش پسر و یک یا دو دختر داشته است.

مرجع بزرگوار، مرحوم آیت‌الله بروجردی که خود از نوادگان آمنه بیگم بوده‌اند در رسالهٔ انساب خاندان خود، نوشته‌اند:

« صاحب روضات الجنّات، ده پسر نوشته ولی فقط شش نفر را نام برده است. »

در ذیل فرزندان آمنه بیگم به کوتاهی معرفی می‌گردند:
۱- آقا محمد هادی: آقا احمد بهبهانی که او نیز از نوادگان دختری آمنه بیگم می‌باشد در مرآت الاحوال می‌نویسد:

« اولاد ذکور، اول، فاضل و مقدس علامه آقا محمد هادی، مترجم قرآن مجید و شارح کافیه و غیر آنها از کتب و رسائل » سپس در فصل دوم می‌نویسد:

♦ ترقیات همه جانبه ملامحمد صالح در تحصیل علوم دینی، او را پیش از دیگران به استاد نزدیک گردانید، تا جایی که به شرف همسری دختر دانشمندش، آمنه بیگم نایل آمد.

« فاضل عزیز و مقدّس بی‌عدیل و نظیر، جناب مستطاب مستغنی الالقاب فقیه‌الزمان، آقا محمد هادی را تصانیف بسیار و فضائل بی‌شمار است، و علاوه بسیار خوش مزاج و لطیفه‌گو و ظریف بوده‌اند. »^{۲۷}

آقا هادی چهار فرزند پسر به نامهای: آقا محمد علی، آقا

محمد مهدی شهید، آقا علی اصغر و آقا محمد تقی داشته است. شرح حال کامل آقا محمد هادی با تحقیق مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی در کتاب تذکرة القبور آورده شده که گزیده آن چنین است:

« در خدمت پدر و جد مادریش ملا محمد تقی مجلسی و دیگران تلمذ نموده تا به مقام عالی و اجتهاد رسیده است سپس به تدریس و تألیف و تصنیف اشتغال جسته و جمع کثیری در خدمتش کسب فیوضات علمیّه نموده‌اند همچون: میر محمد ابراهیم بن حاج میر اسماعیل سورکی و شیخ محمد علی حزین لاهیجی. »

آقا محمد هادی دارای خط نسخ زیبا بوده است، وی کتاب « النهایة فی غریب الحدیث » تألیف ابن اثیر را کتابت نموده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.

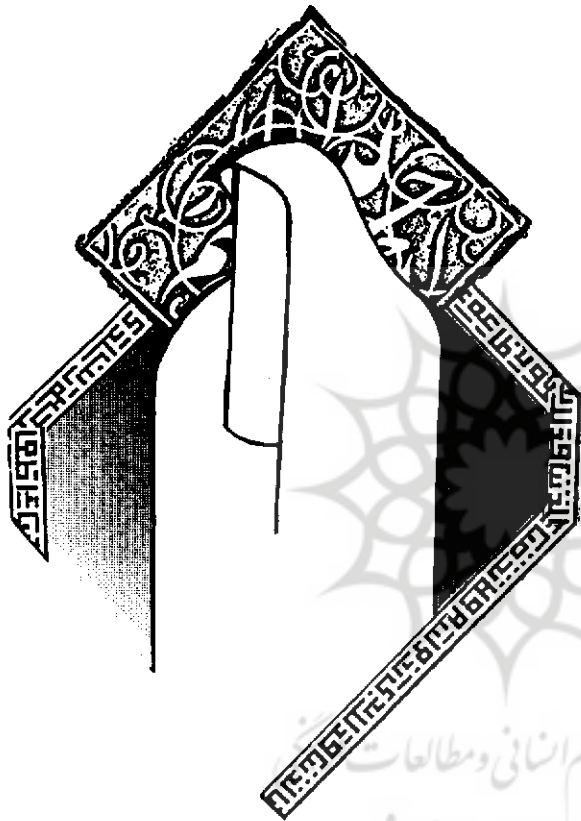
در فهرست کتابخانهٔ سپهسالار هم آمده است که: خط شکسته و نستعلیق را خوب می‌نوشته به طوری که می‌توان او را از خوشنویسان معروف دانست. تألیفات او بسیار زیاد بوده به طوری که در کتاب علامه مجلسی، تألیف استاد علی دوانی ۲۳ عنوان از آنها معرفی گردیده است.

تاریخ ولادت آقا هادی معلوم نیست، تاریخ وفات او را نیز مختلف یاد کرده‌اند، ولی از روی تحقیق معلوم شده که در سال ۱۱۲۰ هجری قمری فوت نموده و در پای ستون درب ورودی بقعه علامه مجلسی (سمت چپ ورودی بقعه) دفن شده و بر روی مرقدش یک صندوق چوبی هم نصب بوده است، اما در تعمیرات اخیر، صندوق مزبور را برداشتند و لوح مزار را به دیوار بالای قبر نصب کرده‌اند.^{۲۸}

۲- آقا نورالدین محمد: آقا احمد بهبهانی در «مرآت الاحوال جهان نما» می‌نویسد:

« فصل سوم، جناب فضائل مآب، زبده الاطیاب، عالم ربانی و فاضل صمدان، فقیه بی‌عدیل و نظیر آقا نورالدین محمد طاب‌ثراه را یک پسر و دو دختر بود. پسر، آقا رحیم (از او دختری بهمرسیده که زوجۀ مرحوم آقا محمد مهدی شهید

فاضل لیبب و عالمی ادیب بوده است، و در عنفوان جوانی به هندوستان تشریف برده، امرا و حکام در اعزاز و احترامش بی نهایت کوشیدند و در آن سرزمین مشهور به حسنعلی خان شد و اولاد او یکی میرزا علی اشرف بود و از اولاد او جمعی در خانه های اجدادی خود در اصفهان می باشند و دختری از آنها در حباله عالی جناب آقا حسنعلی بن آقا هادی ثانی است و سایر اولاد آن مرحوم در هند می باشند...^{۲۲}



۲- آقا محمد سعید اشرف : آقا احمد در « مرآت الاحوال جهان نما » می نویسد :

« فصل چهارم، عالم ادیب و فاضل لیبب، مرحوم آقا سعید متخلص به اشرف، اشعار عربی آن فصیح عهد به غایت نیکو و سنجیده و سواد مداد فارسیه اش نیل انفعال بر چهره بلغای عجم کشیده، زیبایی خطش، دست خوشنویسان عالم را به تخته بسته و رعنائی شکسته اش صفای بنفشه، بناگوش دلبران را در هم شکسته، علو فطرت و سخاوت را از اجداد کرام میراث داشت و در عهد عالمگیر اورنگ زیب شاه جهان آباد به هند تشریف برده بود... و زمان و مکان وفات آن جناب عالی شأن معلوم فقیر نیست »^{۲۰}

آقا احمد باز می افزاید :

« که اولادش فاضل علامه محمد امین بود که شرح مبسوطی بر قسم کلام تهذیب ملا سعدالدین تفتازانی نوشته است و دیگر میرزا محمد علی متخلص به دانا است، و دیگر زینب بیگم همسر مرحوم ملا محمد تقی پسر ملا عبدالله بن ملا محمد تقی مجلسی و دختر او مریم بیگم همسر جد میرزا محمد تقی الماسی و مادر (میرزا عزیزالله)، پدر میرزا حیدرعلی مؤلف « انساب خاندان مجلسی » است. »^{۲۱}

۳- آقا حسنعلی : آقا احمد می نویسد :

« فصل پنجم، مرحمت و غفران مآب، آقا حسنعلی،

فرزند آقا محمد هادی بوده است) و از دختران یکی همسر جلیله عالی جناب مقدس القاب، جامع الفضائل و حاوی الفواصل، الفاضل الاجل، آقا محمد اکمل قدس سره که پدر ماجد جد امجد این فقیر بندگان، عالی جناب علامه فهم، مجتهد العصر و الزمان المروّج للدين فی رأس المائة الثانية عشر، استاد المتأخرین، آقا محمد باقر اصفهانی مشهور به بهبهانی قدس سره (و اخوان ایشان آقا حسن رضا و آقا محمد حسین و ده خواهر ایشان است) دختر دیگر جناب آقا نورالدین محمد مرحوم، زوجه مرحوم مغفور میرزا محمد تقی نجف آبادی بود... و بنابراین نسبت استاد کل وحید بهبهانی به ملا محمد صالح مازندرانی و علامه مجلسی اول و دوم از همین دختر آقا نورالدین محمد نشأت گرفته است.^{۲۹}

۳- آقا محمد سعید اشرف : آقا احمد در « مرآت الاحوال جهان نما » می نویسد :

« فصل چهارم، عالم ادیب و فاضل لیبب، مرحوم آقا سعید متخلص به اشرف، اشعار عربی آن فصیح عهد به غایت نیکو و سنجیده و سواد مداد فارسیه اش نیل انفعال بر چهره بلغای عجم کشیده، زیبایی خطش، دست خوشنویسان عالم را به تخته بسته و رعنائی شکسته اش صفای بنفشه، بناگوش دلبران را در هم شکسته، علو فطرت و سخاوت را از اجداد کرام میراث داشت و در عهد عالمگیر اورنگ زیب شاه جهان آباد به هند تشریف برده بود... و زمان و مکان وفات آن جناب عالی شأن معلوم فقیر نیست »^{۲۰}

آقا احمد باز می افزاید :

« که اولادش فاضل علامه محمد امین بود که شرح مبسوطی بر قسم کلام تهذیب ملا سعدالدین تفتازانی نوشته است و دیگر میرزا محمد علی متخلص به دانا است، و دیگر زینب بیگم همسر مرحوم ملا محمد تقی پسر ملا عبدالله بن ملا محمد تقی مجلسی و دختر او مریم بیگم همسر جد میرزا محمد تقی الماسی و مادر (میرزا عزیزالله)، پدر میرزا حیدرعلی مؤلف « انساب خاندان مجلسی » است. »^{۲۱}

۳- آقا حسنعلی : آقا احمد می نویسد :

« فصل پنجم، مرحمت و غفران مآب، آقا حسنعلی،



کمالات مرضیه و به زیور زهد و تقوا آراسته بوده است ...»^{۳۳}
(همسر آقا احمد بهبهانی از نوادگان همین آقا عبدالباقی است
که در هندوستان ساکن بوده‌اند.)

۶- آقا محمد حسین : محدث نوری می‌نویسد :

« دانشمند پرهیزکار آقا محمد حسین، من نسخه‌ای از
کتاب « من لایحضره الفقیه » را دیده‌ام که حواشی بسیاری به
خط وی بر آن نوشته شده و در نهایت خوبی و جودت بود و
دلالت بر فضل و کمال او می‌کرد. »^{۳۴}

ذکر اسامی و شرح حال رادمردان نامی خاندان ملا
محمد صالح مازندرانی و آمنه بیگم، این نکته را به ما
می‌آموزد که علامه مجلسی اول چه وجود پربرکتی بوده که نه
تنها خود، از خدمتگزاران صمیمی اسلام به شمار می‌رفته و
فرزند بزرگ و بزرگواری همچون علامه مجلسی و فرزندان
دیگر و دختر دانشمند مجتهدی مانند آمنه بیگم داشته، بلکه از
ناحیه همین دختر هم دهها مجتهد، مرجع تقلید، فقیه،
فیلسوف، محدث، مفسر، اصولی، رجالی و غیره به وجود آمده
است که بعضی از آنها در شمار بزرگترین مراجع شیعه و اعظام
فقهای ما بوده‌اند، به طوری که به صراحت می‌توانیم بگوئیم که
پس از خاندان نبوت و امامت علیهم‌السلام، علامه مجلسی
اول، در عالم اسلام، تنها دانشمند بزرگی است که مصداق
کامل شجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء بوده است.
این مبحث دریایی بی‌پایان است چرا که بسیاری از
خاندانهای علمی اصفهان و سایر شهرهای ایران و عراق در
طول چهار قرن گذشته با یکی از افراد این خاندان بزرگ نسب
پیدا نموده‌اند که برای نمونه به برخی از خاندانهای منسوب به
آمنه بیگم در ذیل معرفی می‌شوند.

خاندانهای منسوب به آمنه بیگم

۱- خاندان زعیم و مرجع بزرگوار آیت‌الله طباطبائی
بروجردی.

۲- خاندان آقای مطلق، استاد اکبر، استاد الکمل فی‌الکمل،
استاد البشر، وحید اصفهانی بهبهانی.

۳- خاندان سیدالطائفه علامه بحرالعلوم.

۴- خاندان صاحب ریاض المسائل.

۵- خاندان سید هبة‌الدین شهرستانی وزیر معارف و
رئیس اسبق مجلس عراق.

۶- خاندان موسوی حائری شهرستانی در کربلا، نجف،
تهران، مشهد و قم.

۷- خاندان حسینی مرعشی حائری شهرستانی در کربلا،
نجف، تهران، مشهد، و قم.

۸- خاندان شریعتمدار.

۹- خاندانهای آل آقا در تهران، کرمانشاه، نهاوند و ...

۱۰- خاندان استاد علی دوانی.

۱۱- خاندان خاتون آبادیهای اصفهان.

۱۲- خاندان گلستانه حسنی.

پی‌نوشت :

۱- علامه محمدباقر مجلسی، حسن ابراهیم‌زاده، صفحه ۹.

۲- سیمای زنان در قرآن و زنان بزرگ صدر اسلام، خلیل خلیلیان،
صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸.

۳- همان منبع، صفحه ۱۷۹.

۴- همان منبع صفحات ۴۳ و ۴۴.

۵- همان منبع، صفحات ۱۳۹ و ۱۴۰.

۶- علامه مجلسی، علی دوانی، صفحه ۱۴، به نقل از یادنامه شیخ
طوسی، جلد دوم، صفحه ۱۳۴ و نیز قصص العلماء چاپ حروفی
صفحه ۲۲۷ - زندگینامه علامه مجلسی سید مصلح‌الدین مهدوی،
جلد اول، صفحه ۳۳۰.

۷- علامه مجلسی، علی دوانی، صفحه ۴۰، ریحانة‌الادب، چاپ
دوم، جلد پنجم، صفحات ۱۹۱ تا ۱۹۳ - زندگینامه علامه مجلسی،
سید مصلح‌الدین مهدوی، جلد اول، صفحات ۳۸۹ و ۳۹۰ و جلد دوم
صفحه ۳۶۷.

۸- ریحانة‌الادب، جلد پنجم صفحات ۲۱ و ۱۹۸ - علامه مجلسی،
صفحه ۴۰ - زندگینامه علامه مجلسی جلد دوم، ص ۳۶۷.

۹- دیدار با ابرار، محمد باقر مجلسی، صفحه ۱۹ - زندگینامه علامه
مجلسی، جلد اول، صفحه ۴۳.

۱۰- علامه مجلسی، صفحات ۱۳ و ۱۴.



- ۱۱- همان منبع، صفحات ۴۰ و ۴۱.
- ۱۲- علامه مجلسی، صفحات ۴۵ و ۴۶ - وحید بهبهانی، علی دوانی؛ صفحه ۹۸.
- ۱۳- زندگینامه علامه مجلسی، جلد دوم، صفحه ۳۱۸ - آیت‌الله بروجردی، علی دوانی، چاپ دوم، صفحات ۷۸ و ۷۹.
- ۱۴- آیت‌الله بروجردی، صفحات ۷۸ و ۷۹ - دیدار با ابرار، صفحه ۲۰ - آشنائی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، سید حجت موحد ابطحی، صفحه ۷۴ و ۷۵ - علامه مجلسی، صفحه ۴۶ - فقهای نامدار شیعه صفحات ۲۴۹ و ۲۵۰، قابل ذکر است که کتاب «قواعد الاحکام» که به «قواعد علامه مشهور است»، یک دوره فقه استدلالی شیعه امامیه از مبحث طهارت تا دیات است که توسط علامه حلی نگاشته شده است.
- ۱۵- رجال سید بحرالعلوم، سید مهدی بحرالعلوم، جلد اول، صفحه ۲۶.
- ۱۶- وحید بهبهانی، صفحه ۱۰۶ - زندگینامه علامه مجلسی، جلد دوم صفحه ۳۱۸.
- ۱۷- وحید بهبهانی، صفحات ۱۰۷، ۱۰۵ - تذکره القبور، چاپ دوم، صفحات ۲۷ و ۲۸ - ریاحین الشریعه ذبیح‌الله محلاتی، جلد سوم، صفحه ۳۲۹.
- ۱۸- تذکره القبور، صفحات ۲۷، ۲۸ - زندگینامه علامه مجلسی، جلد دوم، صفحات ۲۷ و ۲۸ - ریاحین الشریعه ذبیح‌الله محلاتی، جلد سوم، صفحه ۳۲۹.
- ۱۹- زندگینامه علامه مجلسی، جلد دوم، صفحه ۳۱۹.
- ۲۰- فیض‌القدس، محدث نوری، چاپ کمپانی، صفحه ۲۵.
- ۲۱- همان منبع.
- ۲۲- علامه مجلسی، صفحات ۳۱۷ تا ۳۱۸.
- ۲۳- همان منبع.
- ۲۴- وحید بهبهانی، صفحات ۱۰۵ تا ۱۰۷.
- ۲۵- روضات الجنات، محمد باقر اصفهانی خوانساری، صفحه ۳۱۳.
- ۲۶- همان منبع، جلد چهارم، صفحه ۱۱۸.
- ۲۷- علامه مجلسی، علی دوانی، صفحات ۵۴۷ و ۵۴۸.
- ۲۸- همان منبع، صفحات ۵۴۷ تا ۵۵۰ - زندگینامه علامه مجلسی، مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی صفحات ۳۵۹ تا ۳۶۲ -

دیگر منابع:

- ۱- ریاض العلماء، میرزا عبدالله اصفهانی، جلد پنجم، صفحه ۱۱۰.
- ۲- فوائدالرضویه، محدث قمی، جلد دوم، صفحه ۵۴۴.
- ۳- اعیان الشیعه، سید محسن امین، جلد پنجم، صفحه ۳۷ و جلد چهاردهم.
- ۴- رجال سید بحرالعلوم، جلد دوم و سوم.
- ۵- دیدار با ابرار (۱۰)، آیت... بروجردی، عباس عبیری.
- ۶- دیدار با ابرار (۱۱)، وحید بهبهانی، عباس عبیری، صفحه ۱۳.
- ۷- ریحانة‌الادب، چاپ اول، جلد اول، صفحه ۱۰۱ و جلد ششم صفحه ۲۶۲.
- ۸- تاریخ اصفهان وری، جابری انصاری، صفحه ۲۱۲.
- ۹- علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، جرفادقانی، صفحه ۵۱۷.
- ۱۰- رجال سید بحرالعلوم، جلد اول، صفحات ۱۲ و ۲۶.
- ۱۱- رجال سید بحرالعلوم، جلد دوم صفحات ۲۱۰، ۲۰۵ و ۲۶.
- ۱۲- تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، صفحه ۲۷.
- ۱۳- وحید بهبهانی، صفحات ۱۰۵ تا ۱۰۷.
- ۱۴- زندگینامه علامه مجلسی مرحوم مهدوی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.